

برنامه تا آسمان

اسماء و صفات جلالیه الهی ۳

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۱/۰۸/۰۸ مقارن با ۱۴۴۴/۰۴/۰۴ هجری قمری

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضرت عالی و همه بینندگان ثابت قدم و باوفای این برنامه (دارم). من هم این مناسبت حضرت عبدالعظیم (علیه السلام) را خدمت همه یادآوری می کنم و می دانیم حضرت عبدالعظیم حسنی (سلام الله علیه) با چهار واسطه فرزند امام مجتبی (علیه السلام) است و از امام زادگان رفیع الشان جهان اسلام و جهان شیعه به حساب می آید.

ما امام زادگان را از نظر فضل و مقام و معرفت و علم درجه بندی می کنیم، اگر در این امام زادگان ده نفر را در درجه نخست بدانیم، یکی از این ده نفر، حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) است که چند امام را درک کرده (است) و معصوم به او فرموده است: «أَنْتَ وَلِيُّنَا حَقًّا».

تو حتماً ولی ما هستی، حتماً دوستدار ما هستی و همان کسی است که بر معصوم دین خود را عرضه داشته است و پس از عرضه شدن دین، امام معصوم نه یک کلمه بر آن چه او گفته (است)، اضافه کرده (است) و نه یک کلمه از آن چه او گفته (است)، کم کرده (است) و فرموده (است)، این همان دینی است که من دارم و پدران من دارند و این خود درسی است برای ما که گهگاهی در محضر عالم دین عقاید خود را، اعتقادات خود را، ملتزمات خود را ارائه کنیم و بپرسیم که آیا به راه دین مستقیم حرکت می کنیم یا خدای نکرده در مسیر ما کژی و اعوجاج وجود دارد. حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) هم همان طور که حضرت عالی هم فرمودید، زیارتش به مانند زیارت سیدالشهداء است، که «مَنْ زَارَ عَبْدِ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بِرِي كَمَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ (ع) بِكَرْبَلَا»، به اضافه این حدیث که «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنِ (ع) بِكَرْبَلَا، كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ».

معنایش این است که اگر من خدمت حضرت عبدالعظیم حسنی (علیه السلام) رفتم، گان رفتم و خدا را در عرش خودش زیارت کردم که این مفهوم و این مضمون از بس بلند است، چندان برای ما قابل فهم نیست ولی می دانیم بالاتر از این مقام، مقامی وجود ندارد.

چه قدر باید مزور و فرد زیارت شده بلندمرتبه باشد که زائر قبر او زیارت کننده خدا در عرش خدا باشد. امیدواریم ان شاء الله سایه بلندپایه بقاع متبرکه به خصوص در این ایامی که ما عزادار حادثه فجیع و غمبار سومین حرم اهل بیت (علیه السلام)، حضرت احمد ابن موسی الکاظم (علیه السلام) هستیم، سایه بلندپایه این مراقد که واقعاً مایه امان در کشور ما هستند، بر سر این امت و بر سر این کشور مستدام بوده باشد.

(مجری)

خیلی متشکرم، ممنون از شما، اجازه بدهید یک بخشی را با هم ببینیم و برگردیم در مورد موضوع خودمان، صفات خدا که در خدمت حاج آقای رضایی تهرانی چند جلسه است صحبت می کنیم، بحثمان را ادامه دهیم که صفت بغض و انتقام جزو سوالات و مطالبی بود که حاج آقا در جلسات گذشته برایمان می فرمودند.

(تیزر)

خطبه ۱۸۳

خدا شما را به پرهیزکاری سفارش کرد و آن را نهایت خشنودی خود و خواستش از بندگان قرار داده (است). پس بترسید از خدایی که در پیشگاه او حاضر هستید و اختیار شما در دست او است و همه حالات و حرکات شما را زیر نظر دارد. اگر چیزی را پنهان کنید، می داند و اگر اشکار کردید ثبت می کند. برای ثبت اعمال فرشتگان بزرگواری را گمارده (است) که نه حقی را فراموش و نه باطلی را ثبت می کنند.

آگاه باشید، آن کس که تقوا پیشه کند و از خدا بترسد، از فتنه ها نجات می یابد و با نور هدایت از تاریکی ها می گریزد و به بهشت و آن چه که دوست دارد، جاودانه دسترسی پیدا می کند.

خدا او را در منزل کرامت خویش مسکن می‌دهد، خانه‌ای که مخصوص خدا است، سقف آن عرش پروردگاری و روشنایی آن از جمال الهی و زائرانش فرشتگان و دوستان و هم‌نشینانش پیامبران الهی می‌باشند. پس به سوی قیامت بشتابید و پیش از آن که مرگ فرا رسد، آماده باشید، زیرا ناگهان آرزوهای مردم قطع شده و مرگ آن‌ها را در کام خود می‌کشد و در توبه بسته می‌شود. (پایان تیزر)

(مجری)

خدمت شما عزیزان چند جلسه است که حاج‌آقای رضایی تهرانی در مورد صفات خدا صحبت می‌کنند. یکی دو جلسه در مورد صفت بغض، غضب و انتقام (صحبت کردیم). اگر خاطرتان باشد جلسه گذشته در مورد این سوال صحبت شد که چه کسانی را خدا دوست ندارد و بلکه دشمن می‌دارد. تعدادی از این موارد را حاج‌آقا فرمودند، باز هم موارد دیگر هست. من می‌خواهم یک سوالی را قبلش بپرسم، قبل از این که حاج‌آقا ادامه بحث را بفرمایند. این که در چه مواردی باید انسان مومن مظهر غضب الهی باشد؟

(پاسخ استاد)

بله سوال خوبی است، در حقیقت اولاً انسان باید در این صفت به خدای خود اقتدا کند و به روایت «تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ»، و به آیه «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً»، عمل کند، رنگ خدایی به خود بگیرد. اگر کسی در عالم هیچ‌کسی را و هیچ‌چیزی را دشمن ندارد از نوعی نفاق الم یا نفاق پنهان برخوردار است، انسان باید دارای جاذبه و دافعه باشد.

خب، این که انسان در کجاها باید به خدا اقتدا کند و غضب وجود او را بگیرد، اولاً این را بدانیم یکی از نکاتی که در سیره رسول گرامی اسلام گفته شده‌است آن است که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در امور دنیوی غضب نمی‌کردند، غضب حضرت ویژه امور آخرتی بود. امور دنیوی حالا شما منزل رفتید، حالا به هر دلیل غذایی که خانم برای شما درست کرده (است)، مثلاً مقداری شور شده (است).

مقداری برنج شما نرم شده (است)، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) در این گونه امور غضب نمی‌کردند، غضب در امور آخرتی بود و وقتی در امور آخرتی غضب می‌کردند تا حق را به کرسی نمی‌نشانند غضب حضرت فرو نمی‌نشست.

ما هم باید غضب‌هایمان، غضب‌های آخرتی باشد. من مصادیقی از این غضب حق و غضب آخرتی را خدمت عزیزان بر اساس آن چه از آیات و روایات به دست می‌آید عرض می‌کنم.

۱. مورد اول، علنی شدن گناه است.

اگر در جایی گناهی علنی شد باید من غضب کنم و این غضب باید در چهره من هویدا باشد. اگر من خانم بدحجاب می‌بینم، انسان رانت‌خوار می‌بینم، اگر من فساد و فحشا می‌بینم و هیچ تغییری در دل من، در صورت من دیده نمی‌شود، یعنی من متصف به این صفت جلال نیستم. جایی که خدا غضب می‌کند، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) غضب می‌کند، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) غضب می‌کند، من هم باید غضب کنم.

(مجری)

عذر می‌خواهم، این یکی از موارد نهی از منکر هم هست؟

(پاسخ استاد)

هست، یقیناً که اقل مراتب نهی از منکر این است که انسان استنکار قلبی داشته‌باشد، یعنی در دل نه تنها خوشحال نشود، نه تنها لذت نبرد، ناراحت باشد که چرا گناه علنی شده (است).

قبلاً هم گفتم، خدای متعال نسبت به دین خودش غیرت دارد. چهل سال در خانه خود روزه‌خواری می‌کنی، کاری به تو ندارند اما اگر سه روز و سه بار پشت سرهم روزه‌خواری کردی، بار اول و دوم تعزیر می‌شوی، بار سوم اعدام می‌شوی.

این یعنی خدای متعال گناه علنی را که آبروی دین را می‌ریزد، بر نمی‌تابد.

(مجری)
ممنونم.

(پاسخ استاد)

۲. دوم، فساد در جامعه است، اگر جامعه‌ای گرفتار فساد شد، حالا چه فساد سیستماتیک بود، نه، فساد موردی بود اما مواردش زیاد شد، انسان مومن باید غضب داشته باشد.
- اصلاً امام حسین (علیه السلام) چرا قیام کرد؟
- (امام حسین) فرمود: «من دیدم فساد جامعه پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را گرفته است و من آدمم و دنبال اصلاح و از بین بردن فساد بودم».
- این «إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ»، این شعار همه پیامبران است، اگر چه از زبان برخی از پیامبران نقل شده است.
۳. سوم، بی عفتی زنان است.
- امیرالمومنین (علیه السلام) به اهل کوفه با غیظ و غضب تمام، در حالی که حضرت خروشیده بودند و برافروخته بودند، فرمودند: «من شنیدم زنان شما از وسط راه، راه می‌روند». زن باید عفت داشته باشد، از کناره راه برود که در معرض دید نامحرمان نباشد، مفاتن بدن او فتنه‌انگیزی نکند.
۴. قهراً در همین راستا، چهارم، بی غیرتی مردان (است). ما بی عفتی زنان و بی غیرتی مردان را در هم تنیده می‌بینیم. آن مردی که بیسند نامحرم با زن او لذت ببرد، مبتلا به صفت دیانت است. این مرد، مردی است که غیرت او از بین رفته است و در جایی است، در این گونه موارد انسان باید غضب کند، چون خدای متعال غضب می‌کند.
- پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که «إِنَّ سَعْدَ الْعَيُورِ»، سعد ابن عباده غیور است «وَأَنَا أَعْيُرُ مِنْهُ»، و من از او غیورترم «وَاللَّهِ تَعَالَى أَعْيُرُ مِنْي»، خدا از همه ما غیورتر است.
- «وَمِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ»، به خاطر غیرت او است که خدا فواحش را حرام کرده است.
- ببینید، تعارف که نداریم، اگر نظام خانواده از هم پاشید که با بی عفتی و بی غیرتی، نظام خانواده از هم می‌پاشد، یعنی ما درون جنگل زندگی می‌کنیم و انسان، انسان است، انسان در جنگل زیست نمی‌کند.
۵. پنجم، ستم حاکمان، اگر حاکمان ستم کردند، انسان باید غیرتش بالا بزند، غضب کند، بغض کند و تا آن جایی که می‌تواند، برود به سمت این که نهی از منکر کند. این روایت را همه نقل کردند که «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»، بالاترین جهاد یک سخن است، عدلی است که انسان در مقابل یک حاکم جائر بگوید.
۶. ششم، ظلم‌پذیری مومنان، ببینید مظلوم بودن هیچ معنی ندارد. اخیراً از مقام معظم رهبری شنیدم که امیرالمومنین (علیه السلام) قوی‌ترین مرد عالم بود، در عین حال مظلوم‌ترین فرد عالم بود. پس می‌تواند انسان قوی باشد مثل ملت ایران که قوی است اما مظلوم است. قوی‌ترین فرد عالم است و مظلوم‌ترین فرد عالم است. انسان باید مظلومیت را با انظلام مخلوط نکند.
- ظلم‌پذیری یک مسئله است، ظالم‌پروری یک مسئله است، مظلوم‌بودن مسئله دیگر است. آقا فرمودند که الان در اروپا، معمولاً در کشورها اغتشاش است، یک روز فرانسه است، یک روز انگلستان است، یک روز کشورهای دیگر است. هیچ شنیدید رئیس‌جمهور آمریکا به اغتشاش‌گران پیام بدهد که من پشت سر شما هستم، مال خرج می‌کنم، اعتبار خرج می‌کنم، نه.
- اما وقتی به ملت ایران می‌رسد همه این کارها هست. این نشان‌دهنده این است که با ما دشمن هستند.

۷. هفتم، شرک و کفر، موسی (علیه السلام) از طور برگشت در حالی که بنی اسرائیل بت پرست شده بودند، سامری آن‌ها را گمراه کرده بود. آن قدر حضرت موسی (علیه السلام) غضب کرد که الواح را که تورات در الواح بود، کتاب ورق و کاغذ نبود، رها کرد که بعضی از این الواح شکست، بعد به هم چسباندند، «وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ».

یقه جناب هارون را که هم برادرش است هم پیغمبر است، گرفت و می کشید.

«يَا ابْنَ أُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي».

به موسی (علیه السلام) گفت: «نگاه کن، من تلاشم را کردم، نشد. من مستضعف بودم، من را به استعصاف کشاندند، حرف من شنیده نشد».

خب این غیرت برای چه؟

عمری زحمت کشیده است، بنی اسرائیل را به توحید کشیده است، حالا می بیند شرک دارد طلوع می کند، کفر دارد طلوع می کند.

یا مثلاً حضرت ابراهیم (علیه السلام) خودش را به مریضی زد، تبر را برداشت، همه بت‌ها را شکست، روایت می گوید از روی غیظ و غضب شکست، برای این که شما آمدید، دارید رهنی می کنید راه خدا را.

۸. هشتم، در خطرافتادن اصل و اساس اسلام (است). اصل و اساس اسلام اگر به خطر بیفتد، این جا باید انسان غیرت کند. یک تعبیری مرحوم امام دارند خیلی عجیب است.

فرمودند: «حفظ نظام از همه دستورات فقهی، از نماز، روزه، حج، از همه این‌ها واجب تر است». چون اگر نظام باشد، اگر حکومت اسلام قائم علی رأسه باشد، آن‌ها هم رنگ پیدا می کند، اگر نباشد، اگر از آن‌ها ظاهری هم باشد، رنگ است، حقیقت ندارد. پس اگر دیدید اساس اسلام ممکن است در خطر بیفتد، باید انسان غضب کند.

۹. نهم، نامتعادل بودن توزیع ثروت در جامعه است.

«كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ»، قرآن کریم فرمود. فرمود که نباید ثروت فقط دست کسانی باشد که ثروت مند هستند، نباید بالای هفتاد درصد وام‌های کلان به ۲۷ نفر در جامعه اسلامی تعلق بگیرد. نباید ۹۸ درصد ساحل خزر در دست از مابهران، یکی دو درصد جامعه باشد، این‌ها با حکومت اسلام سازگار نیست. این جاها است که باید انسان غضب کند، بخروشد، بجوشد و از حاکمیت طلب کند که باید ثروت در جامعه بچرخد.

۱۰. دهم، احتکار، چه قدر روایت در ارتباط با احتکار داریم که اگر کسی محتکر باشد، بوی بهشت را نمی شنود

و با سر وارد دوزخ می شود، چرا؟

چون ببینید، محتکر چه می کند؟

می آید ضروری ترین نیازهای هم نوع خود را از او چه می کند، دریغ می کند. وقتی تو آمدی ضروری ترین نیازها را که حیوانات در این مسائل رعایت‌هایی دارند از هم نوع خود دریغ کردی، باعث قتل و جوع و گرسنگی دیگران شدی. یقیناً تو انسانی را بر باد دادی و جای تو دوزخ است، جایی که جای انسان واقعی نیست.

(مجری)

خیلی متشکرم، «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

خیلی ممنون که با ما مشارکت می کنید، سوالات زیادی حول و حوش این بحث و پیرامون این بحث به دستمان رسیده است، خیلی سوالات پخته‌ای هم هست. خود این به گرم شدن بحث ما هم کمک می کند، پرسش و پاسخ که باشد، بحث راحت تر و بهتر پیش می رود.

اما اجازه بدهید من یک سوالی را بپرسم از خدمت حاج آقای رضایی تهرانی بعد از این سوالات شما را مطرح کنم. آن هم این که حاج آقا شاید سوال خیلی‌ها باشد که أَبْغَضَ النَّاسَ، کسانی که خداوند از همه بیشتر با آن‌ها دشمن است، چه کسانی هستند؟

خدا کند ما جزو این‌ها نباشیم.

(پاسخ استاد)

بله، بله، همان‌طور که در بحث محبت الهی ما افرادی داشتیم که محبوب‌ترین‌ها پیش خدای متعال بودند، در بحث غضب الهی هم ما افرادی را داریم که این‌ها مغضوب‌ترین‌ها پیش خدای متعال هستند. در روایات ما در این زمینه خب موارد متعددی ذکر شده‌است.

۱. مثلاً از پیشوای ستمگر نام برده شده‌است، «أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ وَأَبْعَدَهُمْ مِنْهُ بِمَجْلَسِ إِمَامٍ جَائِرٍ». یک کسی که خدای متعال نعمت قدرت به او داده‌است، نعمت اقتدار به او داده‌است ولی او به جای این که در عباد و بلاد عدل و داد بیافریند، ظلم و ستم می‌کارد.

۲. مورد دوم، کفر پس از ایمان و کافر پس از ایمان است. یک موقعی یک نفر کافر بوده (است)، پدر و مادرش هم کافر بودند، در یک محیط کفر زندگی کرده (است)، یک موقع یک نفر راه را پیدا کرده (است)، ایمان آورده (است)، «إِنَّ مِنْ أْبْغَضِ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَمَنْ آمَنَ ثُمَّ كَفَرَ».

ما زیاد داشتیم در این انقلاب، کسانی که انقلابی بودند، فهیم بودند، بعضاً زندان‌رفته‌ی زمان شاه بودند اما در یک دگردیسی از انقلاب دست کشیدند. افرادی داشتیم با مرحوم امام از پاریس با هواپیما آمدند و بعد در این نظام اعدام شدند، به خاطر جنایت و خیانت.

۳. سومین مورد، فرمود که ضربه‌زننده به مسلمانی بدون حق، من بیایم مسلمانی را ضربه بزنم. از امام صادق (علیه‌السلام) روایت است، «إِنَّ أْبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ، رَجُلٌ جَرَدَ ظَهْرَ مُسْلِمٍ بَغَيْرِ حَقٍّ». ما دیروز پریروز طلبه‌ای را در تهران داشتیم بر اثر شدت ضربات به شهادت رسید، خب این طلبه چه گناهی داشت، او هم یک طالب علم است، دارد در این کشور درس می‌خواند. بدون هیچ محاکمه‌ای، بدون هیچ جرمی می‌شود «بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ».

فرمود که ضربه‌زننده به مسلمانی بدون حق (از ابغض الناس است). در این جنایتی که ما در شاهچراغ داشتیم، چند تا کودک از دنیا رفتند، خب به چه عنوان (به شهادت رسیدند)؟

۴. مورد دیگر که در روایات در این زمینه در مورد او تاکید هم شده‌است این است که خدای نکرده کسی قاری قرآن باشد و با قرآن انس داشته‌باشد اما متکبر باشد.

«لَا تَجِدُ أْبْغَضَ إِلَى اللَّهِ مِنْ قَارِيٍّ مُتَكَبِّرٍ».

سر مطلب چه است؟

سر مطلب این است که خدای متعال از بعضی از انسان‌ها به خاطر بعضی از خصوصیات توقع بیشتری دارد، کسی که با قرآن مأنوس است، با دین مأنوس است، با حوزه مأنوس است، از او توقع دیگری می‌رود. در همین راستا گفتند قاری مرائی، کسی که قرآن قرائت می‌کند، قاری قرآن است اما اهل ریا است، این کسی است که خدای متعال او را دشمن می‌دارد.

۵. پنجم، کسی که در خانه خود، بر زن و بچه خود بخل می‌ورزد.

«أْبْغَضُ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ مَنْ صَنَعَ عَلَى عِيَالِهِ».

یعنی برای جگرگوشه‌های خودش هم خرج نمی‌کند و می‌داند این‌گونه افراد گاهی می‌شود آن‌قدر مغبوض خانواده می‌شوند که خانواده مشتاق مرگ آن‌ها هستند، بلکه بمیرد و از ترکه او، ورثه او چیزی نصیبشان بشود و این خب خیلی خیلی بد است.

۶. ششم، فرمود کسی که در جهان اسلام زندگی می‌کند و هنوز دنبال سنن جاهلی است. سنت‌های جاهلی را پیغمبر فرمود: «وَمُبْتَغٍ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ».

آن وقت ببینید آقای قاسمیان، جاهلیت هم دو نوع است، یک جاهلیت کهن داریم، یک جاهلیت مدرن داریم. بسیاری از مدهایی که بویی از عقل و دین در آن‌ها نرفته‌است، این‌ها مشمول جاهلیت مدرن است. حالا بنده ناخن بکارم، غسل و وضوی خودم را چهل سال از بین ببرم، چهل سال، بیست سال، سی سال در حال جنابت باشم، نمازهایم همه باطل باشد، همه بر گردن من واجب باشد، روزه‌هایم همه باطل باشد، به خاطر چه؟
یک جاهلیت مدرن. خب، این کار، کار غلطی است و خدای متعال دشمن می‌دارد.
فرمود: «وَمُلْحَدٍ فِي الْحَرَمِ».

۷. مورد دیگر، اگر کسی بخواهد در جایی که در حکم حرم است، خرابکاری کند. خدا شهید سلیمانی را رحمت کند، فرمود: «امروز جمهوری اسلامی حرم است و این حرم را باید محترم داشت».
اصلاً حرم باید محترم باشد، اگر کسی الحاد در حرم کند، خرابکاری در حرم کند، این ملحد است و مبعوض و مغضوب پروردگار است.

۸. مورد دیگر ادعای دروغین خدایی یا نبوت یا قیامت است. من ادعای خدایی کنم، ادعای نبوت کنم یا ادعای امامت کنم.
من با یکی از دوستان اهل اطلاع که دستی بر اطلاعات کشور داشت، پرسیدم، داریم کسانی را که در این کشور ادعای امام زمانی کرده‌باشند؟
گفت: «او که متعدد است، چند نفر داریم که این‌ها خدا هستند، ادعای خدایی می‌کنند».
خب اگر کسی ادعای نبوت کند، ادعای خدایی کند، زیاد داشتیم افراد متنبی، متنبی یعنی کسی که پیغمبر نیست، ادعای پیغمبری می‌کند.
پیش مأمون آوردندش، گفتند این ادعای پیغمبری کرده‌است، مأمون سرش شلوغ بود، گفت: «ببریدش یک جا».
این‌ها هم جا نداشتند، در آشپزخانه دربار او را بردند.
یک هفته بعد مأمون یادش آمد، گفت: «بیاوریدش ببینیم این پدر سوخته چه کار می‌کند».
(او را آوردند.
(مأمون) گفت: «تو پیغمبری؟».
گفت: «بله».
(مأمون) گفت: «به تو وحی می‌شود؟».
گفت: «بله».
(مأمون) گفت: «اخیراً هم به تو وحی شده‌است؟».
گفت: «بله».
(مأمون) گفت: «چه به تو گفتند؟».
گفت: «به من گفتند جای خوب است، تکان نخور».
در آشپزخانه دربار بود، انواع غذاها و بخور و بخواب.
ببینید ما زیاد داریم کسانی را (که ادعای نبوت می‌کنند)، این به عنوان نمونه است. دکتر نیست، ادعای پزشکی می‌کند، مجتهد نیست، ادعای اجتهاد می‌کند، مرجع تقلید نیست، ادعای مرجعیت می‌کند. یعنی کسی که یک مقامی را به هر دلیل ندارد یا کاری را بلد نیست، تخصصی را ندارد و انجام می‌دهد.
اصلاً سیاست نمی‌فهمد، پشت‌صحنه‌ها را نمی‌بیند، تحلیل سیاسی می‌کند، برای خودش می‌بافد، این‌ها را خدای متعال مغضوب و مبعوض می‌دارد.

۹. از موارد دیگر که در روایات هم به او تأکید شده (است)، این است که انسان سه تا کم را که قبلاً گفتیم، رعایت نکند:

(آ) کم خوابی

(ب) کم خوری

(ج) کم گویی

یعنی پرگو باشد، پرخواب باشد یا مثلاً کسی که پرخنده است، آن هم خنده از سر بی عاری، فرمود: «وَالرَّجُلُ يُكْثِرُ الصَّحْكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ».

کسی که بیش از حد می خندد (جزو أبغض الناس است). لذا اهل بیت (علیهم السلام) اگر در بعضی از موارد یک مقداری خنده شان زیاد می شد، دست هایشان را به آسمان بلند می کردند، «اللَّهُمَّ لَا تَمَقُّتْنِي»، خداوندا مرا دشمن مدار.

۱۰. مثلاً اگر من نَعُوذُ بِاللَّهِ، نَعُوذُ بِاللَّهِ زناکار با همسر همسایه که اتفاق می افتد، گاهی بیست واحد حالا در این مجتمع مسکونی است. ارتباطات نزدیک است.

فرمود: «الزَّانِثُونَ بِجَلَائِلِ حَيْرَانِهِمْ».

خیلی خیلی خدای متعال (غضب می کند) چون همسایه لا اقل باید حق همسایه را بداند مواظب باشد.

۱۱. فرمود کسی که مردم از ترس زبانش از او چشم می زنند، به خاطر بددهانی او مردم مواظب هستند از کنار او رد نشوند، این را خیلی خیلی خدای متعال دشمن می دارد و دیگر خبرچین ها، کسانی که کارشان این است بدی را بگسترانند، نفرت را بگسترانند، این را با او بد می کند. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اجازه نمی داد کسی راجع به دیگری حرف بزند.

فرمودند: «رَأَى مِنْ رَأَى نَظَاهٍ مِنْ رَأَى نَظَاهٍ بِدَنَائِهِمْ»، بدی ها را به خود طرف آرام بگویند».

۱۲. تهمت زندگان به پاکان، خدا نکند که کسی به یک انسان پاکی تهمت بزند، یک مسئولی است، پاک است، الان شما می بینید در اغتشاشات کلی گویی می شود و حال این که ما کلی گویی نداریم. آدم بد، بد است، آدم خوب هم خوب است. کار بد، بد است، کار خوب هم خوب است. من اگر بخواهم همه را با یک چوب برانم، این مقتضای عدالت نیست، مقتضای انسانیت هم نیست.

(مجری)

چه بسا خیلی ها هم تهمت زده باشند.

(پاسخ استاد)

یقیناً این گونه است، ما می دانیم، ما داریم در همین کشور زندگی می کنیم، ما الان مسئولین پاکدست کم نداریم. فراوان (داریم)، سال ها است دارند زندگی می کنند.

(مجری)

کمتر دیده می شوند.

(پاسخ استاد)

کمتر دیده می شوند، کمتر مورد توجه قرار می گیرند و دارند برای این کشور جان می کنند. یک چند روزی به خاطر عللی آنتی بیوتیک در کشور کم شد، بلافاصله پیگیری شد، پنجاه تن محموله وارد شد، ما داریم می بینیم در کشور دارو به کشورهای همسایه قاچاق می شود، به تمام کشورهای همسایه (قاچاق می شود). یعنی ما در سطح دارویی در وضع خوبی هستیم، خوبی ها را باید ببینیم.

۱۳. از موارد دیگر این که انسانی خوبی اش ظاهر باشد، کردار بدش باطن باشد.

ظاهر صلاح سجاده آبکش منافق در درون، این را خدای متعال خیلی دشمن می داند.

«مَنْ كَانَ ثَوْبَاهُ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ»، کنایه از این که می گوید لباسش از کارش بهتر است، مراد این است که ظاهرش

از باطنش بهتر است. نه، انسان باید ظاهر و باطنش در یک سطح بوده باشد.

۱۴. کینه ورزان خوش برخورد، شما را می بیند، به به حاج آقای قاسمیان، احوال شما، دلمان برای شما تنگ شده است، همه اش هم دروغ است. پشت سر می نشیند شروع می کند به حرف زدن، کینه در دل دارد اما در ظاهر خوش برخورد است، این را خدای متعال دوست ندارد.

۱۵. دنیا طلبان با سوگند، مال دنیا است و برای این که به دنیای خود برسد، سوگند دروغ می خورد.

۱۶. دانشمند درباری، دانشمند باید آزاده باشد.

(مجری)

شاعر درباری شنیده بودیم.

(پاسخ استاد)

نه، دانشمند درباری، عُلَمَاءُ سَوَاءٌ، اصلاً یک قانون بگویم، گفتند که اگر حکام در خانه علما رفتند، این حکام، حکام خوبی هستند. اگر علما در خانه حکام رفتند، این علما، علمای بدی هستند. مگر حالا حاکم خودش حاکمی است که مرجع تقلید است، عالم است، متقی است. هر که در خانه هارون و مأمون و معاویه و یزید رفت، این یعنی آدم، آدم درستی نیست. هارون به موسی ابن جعفر (علیه السلام) نوشت، بیا ببینمت. حضرت فرمودند: «آخرت که نداری، من هم اهل دنیا نیستم».

(مجری)

در دو جمله کل مطلب را گفتند.

(استاد)

آخرت که نداری، کسی سراغت می آید که دنیا طلب است، من هم اهل دنیا نیستم.

(مجری)

عمرو عاص گفته بود که نماز علی (علیه السلام) خوب است و سفره معایه (خوب است).

(استاد)

همین هست، در حقیقت به همین کیفیت است. دانشمند نویسنده ای که علمش را از منابع ضعیف می گیرد، نکات را ببیند، می گوید این را خدای متعال دوست ندارد. اگر یک دانشمندی است، می خواهد به مردم خوراک علمی بدهد، خوراک اعتقادی به مردم بدهد، دانشمند نویسنده ای که این نکات را از منابع ضعیف می گیرد. به جای این که برود کافی را ببیند، به جای این که برود قرب الاسناد را ببیند، به جای این که من لا یحضر ببیند، حالا از یک مقاله دست چندم از یک کتاب دست چندم (می بیند)، این افراد را خدای متعال بسیار مغضوب می دارد.

(مجری)

خدا کند، خدا کند جزو این ها نباشیم. حالا همان هایی که خدا آن ها را دشمن می داشت یک طرف، این ها که دیگر خدا نکند بین ما و بینندگان کسی باشد. یک بخشی را ببینید، فرازهایی از مناجات امام سجاد (علیه السلام) را با هم مرور می کنیم.

(تیزر)

خدایا بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندانش درود بفرست و من را از بند حسد رهایی ببخش و از گناهان در پناه آور و از حرام ها بپرهیزان و من را بر آن چه نافرمانی توست، گستاخ نفرما و خواهشم را به سوی خود گردان و من را به آن چه از تو می رسد دلخوش ساز و به آن چه روزی ام کرده ای و آن چه به من بخشیده ای و آن نعمت که ارزانی ام داشتی برکت ده و من را در هر حالی در امان دار و از نافرمانی نگاه دار و از چشم بد پویشان و

از دست دشمنان دور ساز و در پناه خویش آور و ایمن گردان.
(پایان تیزر)

(مجری)

هفت دقیقه بیشتر فرصت ندارم و کلی سوال (هست). خب، مواردی را که هم حاج آقا گفتند، هر کدامش را واقعاً دوست داشتیم، همه مان با هم بشنویم. اجازه بدهید سراغ سوالات شما عزیزان بروم، باز هم تشکر می‌کنیم که مشارکت می‌کنید و وقت می‌گذارید و می‌نویسید.

آیا ممکن است انسان مومنی فقط مظهر محبت و جمال خدا باشد و مظهر جلال الهی نباشد، آن‌طور که مسیحیان درباره حضرت عیسی (علیه السلام) می‌گویند و یا از ابن عربی نقل شده است؟
ببیند ما خدای متعال را ذوالجلال والاکرام می‌دانیم و انسان هم باید متصف به همه صفات الهی بشود و این را هم قبلاً عرض کردیم که جلال الهی زیرمجموعه جمال الهی است.
«يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ».

پس انسان مومن هم باید متصف به صفات جمالیه باشد هم باید متصف به صفات جلالیه باشد.
الان گفتیم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) غضب می‌کرد، خشم می‌کرد در امور آخرتی و تا خشمش در امور آخرتی آن امر مغفول را به کرسی نمی‌نشاند، خشم او از بین نمی‌رفت.

ما هیچ‌کسی را در عالم برتر از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) نداریم و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) الگو است و خود خدای متعال فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ».

پس این که انسان بخواهد فقط مظهر محبت باشد، این معنا ندارد. آن چه که مسیحیان راجع به عیسی (علیه السلام) گفته‌اند و می‌گویند، دروغی بیش نیست.

حضرت عیسی (علیه السلام) پیغمبر اولوالعزم خدا است، متصف به صفات الهی است، به جای محبت می‌ورزد، به جای هم خشم می‌کند. آن چه در مورد ابن عربی گفته شده است، ابن عربی می‌گوید: «وَإِنِّي مَا ذُقْتُ الْقَهْرَ إِلَّا فِي نَفْسِي».

من هیچ‌گاه قهر الهی را در خودم ذوق نکردم و اگر با کسی دعوا می‌کنم، این تأدیب است و گرنه از او کینه‌ای به دل ندارم.

اگر این مراد باشد که در حقیقت این صفت الهی در من تجلی کمتری دارد و من تجلی تأدیبی در من بیشتر است، این مقدار اشکالی ندارد ولی اگر ابن عربی بگوید آقا من به هیچ‌کس کینه ندارم حتی به آن که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) کینه دارد، این البته حرف صحیحی نیست.

(مجری)

آیا مغضوب‌ترین انسان بودن یک درجه است یا مراتبی دارد؟

(پاسخ استاد)

یقیناً مغضوب‌ترین آدم بودن دارای درجات است، چرا؟

چون الان که ما داشتیم اَبْغَضُ الْخَلَائِقِ را می‌گفتیم، خب دیدید صفات مختلفی را بیان کردیم، نسبت به همه این‌ها تعبیر، اَبْغَضُ الرِّجَالِ، اَبْغَضُ النَّاسِ، این‌ها است ولی اگر آمد از این مثلاً بیست‌موردی که ما گفتیم، درجه عالی این بیست‌مورد در یک نفر بود یا درجه دانیه پنج‌مورد در یک نفر بود، خب، یقیناً آن کس که درجات عالیه مبغوضیت بیشتر در او هست، پیش خدا مغضوب‌تر و مبغوض‌تر است.

(مجری)

شیطان مظهر اسماء جلالیه حق است یا جمالیه؟

(پاسخ استاد)

شیطان مظهر اسماء جلالیه حق است، چرا؟
چون یکی از صفاتی که ما برای خدای متعال داریم صف مُضِل است، خدای متعال همان‌طور که هادی است مُضِل هم هست البته اضلال خدا اضلال بدوی و ابتدایی نیست، اضلال، اضلال مجازاتی است.

در هدایت ما هر کارمان محفوف به دو هدایت است، یک هدایت پیشینی و یک هدایت پسینی اما در بغض و غضب و اضلال الهی متعال اضلال ابتدایی ندارد. خدای متعال هدایت می‌کند، می‌کند، می‌کند من حرف نمی‌شنوم، نمی‌شنوم، نمی‌شنوم. بر اثر این حرف‌نشنیدن‌ها خدای متعال دست از هدایت من برمی‌دارد، این دست از هدایت من برداشتن را اضلال می‌گوییم. خب، اضلال از صفات قهر و انتقام الهی است، این اضلال مظهرش در جهان کیست؟ جناب ابلیس، جناب شیطان، رفیق همه ما.

(مجری)

چرا در مورد رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) به پیامبر رحمت تعبیر می‌کنیم، مگر ایشان مظهر جلال الهی نبوده‌است؟

(استاد)

به دو جهت، اولاً در رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) رحمت غالب است و به خاطر این غلبه است که خدا هم فرمود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ».

به صورت حصر فرمود، «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا»، ما تو را مگر به عنوان رحمت برای عالمین فرو نفرستادیم و نکته دوم این که گفتیم غضب، بغض، انتقام و جلال الهی زیرمجموعه جمال الهی است. ببینید، ما که دیگر خشن‌تر از جهاد در دین اسلام نداریم، همین جهاد را علامه طباطبایی در میزان اثبات می‌کند که این از بالاترین مصادیق رحمت الهی است.

من وقتی جهاد می‌کنم، که را می‌کشم؟

کسی که به عناد رسیده‌است، این کسی که به عناد رسیده‌است یعنی گوربه‌گورش کنی، از راه خودش بر نمی‌گردد، این هر یک ثانیه که عمر کند، به ضرر خودش است و به ضرر دیگران (است). جلوی این ضرر را من زودتر بگیرم که هر چه ماهی را زودتر از آب بگیرم (تازه‌تر است).

(مجری)

یعنی اگر بمیرد به نفعش است.

(استاد)

به نفعش است، در روایات و دعاها داریم. می‌گوییم خدایا تا وقتی حیات برای من خیر من است، من زنده بمانم، اگر از یک جایی سقوط شروع شد، دیگر من زنده نمانم.

دیدید این مثلاً ورزشکاران در اوج خداحافظی می‌کنند. می‌گوییم خدایا من در اوج خداحافظی کنم. دیدید بعضی رفتند اربعین، آمدند، از دنیا رفتند، زیارت احمد ابن موسی شاهچراغ (علیه‌السلام) رفتند، در اوج آن هم با شهادت، چه قدر ما غبطه خوردیم. من شاید پنجاه بار، صدبار بیشتر شاهچراغ رفتم، ولی این توفیق را نداشتیم. شهادت غنیمت بارده است، قسمت هر کسی نمی‌شود.

(مجری)

چرا از میان همه ادیان، به ما مسلمان‌ها امت مرحومه گفته می‌شود مگر امت‌های سایر انبیاء امت مغضوبه بودند؟

(پاسخ استاد)

نه، معنای امت مرحومه بودن ما این نیست که امم دیگر امت مرحومه نبودند، معنا این است که رحمت در این امت که امت آخرالزمانی است جلوه بیشتری دارد، چه این که در مورد پیغمبر (صلی الله علیه و آله) ما آمده‌است «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» و این به خاطر این است که آخرالزمان خصوصیتی دارد که اگر درصد و دز رحمت در این حد نباشد بار آخرالزمانی برداشته نمی‌شود.

(مجری)

من کلی سوال دیگر دارم که اگر بخوایم بخوانم واقعاً شاید بگویم کل یک برنامه را باید اختصاص بدهم به این سوال ولی وقت ما به پایان رسید و سی‌ثانیه فرصت دارم.

مثلاً گفتید که کلیت عاقبت چنین افرادی که در مورد آن‌ها فرمودند خدا آن‌ها را دشمن می‌دارد چیست که ان شاء

الله در ادامه مباحث قرار است به آن پردازیم و همچنین موارد دیگری (که به آن خواهیم پرداخت). خیلی هم تشکر داشتند در مورد برنامه تا آسمان، تکرار آن که ساعتی که پخش می‌شود، خوب همه نمی‌توانند، ببینند. این را من بارها توضیح دادم اما فعلاً برنامه تکرارش ساعت ۳:۲۰ بامداد است. یک عزیزی هم گفتند مناجات‌ها را لطفاً فایل صوتی‌اش را در کانال بگذارید، بارها و بارها که گوش کنی باز هم شنیدنی و آرام‌بخش و امیدبخش است. چشم، این را هم انتقال می‌دهم. از حاج‌آقای رضایی تهرانی خیلی متشکرم، ممنون که فرصت گذاشتید و در برنامه ما حضور پیدا کردید. قول می‌گیرم ان شاء الله در جلسه آینده هم پاسخ بینندگان را بفرمایند هم ادامه بحث باشد.